

مدینه‌ی فاضله از آرمان تا واقعیت (۱)

(بر مبنای افلاطون، آگوستین، فارابی و بازخوانی آموزه‌ی خلافت در عرفان اسلامی)

*محمدعلی مشکات

چکیده

در آغاز، نظریه سیاسی افلاطون در پیوند با علم اخلاق و غرض اصلی وی در کتاب جمهوری، یعنی نظریه عدالت، مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس به منشأ دولت و رابطه آن با تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون نظر می‌شود. سپس به دست می‌آید که فلسفه اخلاق و سیاست در طرح افلاطونی به شدت درهم تنیده‌اند. کتاب شهر خدای آگوستین به دنبال آن است که راه عضویت شهر دنیا را در شهر خدا پیدا نماید و در صدد است تا مرز دقیق این دو شهر را و همچنین رابطه آن دو را با هم و نیز اهداف شهر خدا را مشخص سازد. از همین روی دو مفهوم عدالت و صلح را به میان می‌آورد. فارابی در اندیشه سعادت جامعه به عنوان هدف اصلی است و مدینه‌ی فاضله که اندیشه‌ی دوم اوست وسیله‌ای برای آن هدف است. از آن‌جا که هدف اصلی وی سعادت است، کانون توجه او رئیس مدینه می‌باشد، هر چند به تبیین انواع مدینه‌ها نیز پرداخته است. عرفان اسلامی نیز اعم از سنی و شیعی بر آموزه خلافت الهی انسان تأکید دارد، خلیفه مظهر اسم جامع‌الله و تدبیرگر ماسوا است. تلاش می‌شود با نگاهی نو ظرفیت موجود در این آموزه عرفانی در پرتو آرمان شهر موعود در اسلام و در کنار مدینه‌ی فاضله فارابی بازخوانی شده و از رویکرد فردی و درونی صرف خارج گشته و در استخدام طرح آرمان شهر اسلامی قرار گیرد. همچنین به طور عکس تلاش می‌شود تا مدینه‌ی فارابی نیز با حفظ جنبه‌ی اجتماعی خود بر مبنای نظریه‌ی خلافت در عرفان اسلامی بازخوانی گردد. آنگاه به طرحی (هرچند مانند فارابی معطوف به رئیس مدینه) دست یابیم که با

* عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

هر دو نظریه در توافق قرار داشته باشد و بلکه دغدغه‌های افلاطون و آگوستین را نیز به طور احسن تأمین نماید. البته این طرح مانند فارابی متوقف در حد رئیس مدینه، نمی‌ماند و می‌تواند در پژوهش‌های متعدد از جهات دیگر نیز به تفصیل مورد بحث قرار گیرد. پرسش از قدر جامع این چهار مدینه و نسبت آنها با واقعیت از مجال این مقاله فراتر است و ناگزیر این پرسش‌ها در مقاله‌ی دیگر بررسی می‌شوند.

کلید واژگان: عدالت، تربیت، شهر خدا، شهر دنیا، صلح، سعادت، عقل فعال، خلافت الهی